

انگیزه‌ها، اهداف و تاکتیک‌های غرب از سیاه‌نمایی

گسترده علیه اسلام و ایران و چشم انداز آن

دکتر حسن عابدینی^۱، خلیل قلخانباغی^۲

چکیده

این مقاله پژوهشی به دنبال پاسخ به این پرسش است که غرب از سیاه‌نمایی علیه اسلام و ایران چه انگیزه‌ها و اهدافی را دنبال و در این روند از چه تاکتیک‌هایی استفاده می‌کند؟ فرضیه مقاله بر این اصل استوار است که مهم‌ترین انگیزه‌ها و اهداف غرب از سیاه‌نمایی علیه اسلام و ایران (هر سه هراسی) از جمله تلاش برای منفور نشان دادن دین اسلام و مذهب تشیع، جلوگیری از گرایش روزافزون جوانان غربی به اسلام، منفعل نمودن ایران اسلامی در تحولات منطقه‌ای و جهانی، جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران اسلامی در خاورمیانه، فروش تسلیحات بیشتر به کشورهای منطقه و در نهایت به تسلیم واداشتن ایران است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین دلایل غرب در پیگیری این پروژه، نیاز به دشمن است. همچنین منفور نشان دادن دین اسلام، حضور نظامی در منطقه و ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی، جلوگیری از الگو شدن ایران برای کشورهای منطقه و منفور نشان دادن مذهب تشیع، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران و ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای ضد ایران از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های غرب است. غرب برای پیگیری این پروژه از تاکتیک‌های گوناگونی از قبیل استفاده ابزاری از تروریسم، جنگ رسانه‌ای، تلاش در ایجاد جهل درباره جهان اسلام، تلاش برای برتر نشان دادن تمدن و فرهنگ غربی، تحریک احساسات مذهبی و ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، فروش تسلیحات، استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر و بسترسازی تنش‌های قومی - فرقه‌ای در مرزهای ایران سود می‌برد.

کلید واژه‌ها: غرب، اسلام هراسی، ایران هراسی، انگیزه‌ها، اهداف، تاکتیک‌ها، شیعه هراسی،

هر سه هراسی

^۱ نویسنده مسئول: دکترای دیپلماسی عمومی، تهران، ایران. Email: abediniha@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل، ایران، تهران. Email: Khalilghalkhani@gmail.com

بیان مسئله

پس از فروپاشی نظام دو قطبی، نظام بین‌الملل در دوران گذار خود قرار دارد. در این دوران گذار، مدعیان فرهنگ غربی بر این ادعا هستند که دیگر جایگزینی جز لیبرال دموکراسی برای جهان وجود ندارد اما برخی نظریه‌پردازان این اندیشه را رواج دادند که پس از سوسیالیسم، این بار اسلام می‌تواند فرهنگ لیبرال دموکراسی را به چالش بکشد. در این خصوص، می‌توان به آرای نظریه‌پردازانی چون ساموئل هانتینگتون^۱ اشاره کرد که نظریه «برخورد تمدن‌ها» را مطرح کرد. دشمنان در این روش از «سیاه‌نمایی» علیه اسلام، تشیع و جمهوری اسلامی ایران (هر سه هراسی) به منظور دست‌یابی به اهداف خویش سود می‌برند. در سیاه‌نمایی، بیش از آن‌که دشمن در جستجوی تغییر نگرش‌های مردم جامعه هدف باشد، به دنبال تخریب وجهه حاکمیت و حاکمان جامعه هدف در اذهان مردم است؛ اما اسلام‌هراسی^۲ با حمله القاعده در سال ۲۰۰۱ میلادی به برج‌های دوقلو در آمریکا قوت گرفت و نیاز به داشتن دشمن برای ایالات متحده تأمین گردید. این بار مسلمانان و اندیشه اسلام به جای بلوک شرق به دشمن آمریکا تبدیل شدند و اسلام‌هراسی و تروریست خواندن مسلمانان به «گفتمان غالب» غرب به خصوص ایالات متحده آمریکا بدل گشت (فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسینکی، ۱۳۸۸، ص ۷).

در خصوص شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی باید گفت، غرب در یکی دو دهه گذشته از روش‌های سخت، نرم و هوشمندانه علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. در روش سخت بیشتر از تهدید و فشار نظامی، حمله مستقیم نظامی مانند آنچه در سال ۱۹۸۱ میلادی در طبرستان اتفاق افتاد، ترور، حمایت از حمله کشوری ثالث و کودتا استفاده می‌شود؛ اما در روش هوشمندانه با استفاده از تربیت نیروی انسانی ماهر بیشتر از ابزار همراهی دیگر قدرت‌ها، استفاده از ابزارهای اقتصادی، استفاده از عناصر قدرت نرم و هم‌زمان تهدید به استفاده از قدرت سخت و نظامی سود برده می‌شود (قلخانباز، ۱۳۹۰، ص

^۱ Samuel Huntington

^۲ IslamoPhobia

۵۵). در سیاه‌نمایی، مهم‌ترین اهداف آمریکا علیه تشیع و جمهوری اسلامی ایران آن است که اولاً بین مردم و حاکمیت فاصله ایجاد نماید؛ ثانیاً جایگاه منطقه‌ای ایران را تنزل دهد و ثالثاً فروش تسلیحات خود را توجیه‌پذیر نماید. نکته حائز اهمیت این‌که استفاده از گروه‌های تکفیری در سیاه‌نمایی غرب جایگاه ویژه‌ای دارد.

ریچارد هاس^۱ در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه جدید» می‌نویسد: «غرب این‌گونه نظر می‌دهد که ایران در حال تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، به دنبال آن خواهد بود تا با خارج کردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خود جایگزین آن‌ها شود و دیگر دولت‌های منطقه را به پذیرش سیاست‌های خود مجبور نماید. از طرفی، قدرت هژمون هیچ‌گاه مایل نخواهد بود که هژمونی منطقه‌ای دیگری، آن هم در منطقه حساس خاورمیانه، شکل گیرد. هاس معتقد است عصر جدیدی در خاورمیانه آغاز شده که مهم‌ترین ویژگی آن پایان تسلط آمریکا بر این منطقه و تغییر آشکار موازنه قدرت به سود ایران است، تغییری که باید از گسترش آن جلوگیری کرد» (Haass, 2006). همچنین پروژه ایران‌هراسی آمریکا در منطقه باعث شده است، برخی سران عرب علیه ایران موضع‌گیری کنند و یا خریده‌های تسلیحاتی بی‌سابقه‌ای داشته باشند.

کاریل مورفی^۲، تحلیل‌گر مسائل سیاسی، در مطلبی با اشاره به یکی از اسناد منتشر شده در ویکی‌لیکس در خصوص درخواست پادشاه عربستان از آمریکا برای حمله به ایران می‌نویسد: «ملک عبدالله پادشاه (سابق) عربستان سعودی، بارها از آمریکا خواست تا به برنامه‌های مشکوک به ساخت سلاح هسته‌ای ایران حمله کند» (Murphy, 2010). بنابراین، می‌توان گفت ایران‌هراسی به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، ترس یا بیزاری به ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی پذیرفته شده در سراسر جهان اشاره دارد. همچنین شیعه‌هراسی به مجموعه‌ای از مطالعات نظری و یا اقدامات عملی علیه شیعیان اطلاق می‌شود که در پی ممانعت از

۱. Richard Haass

۲. Carlyle Murphy

برقراری ارتباطی صمیمی و برادرانه و تحقق وحدت اسلامی میان شیعه و سنی است. در نهایت این‌که غرب سه پروژه اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی (هر سه هراسی) را هم‌زمان و با اهداف گوناگون دنبال می‌کند. از سوی دیگر، برخی کشورهای منطقه نیز هم‌سو با غرب پروژه‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را دنبال و خواسته یا ناخواسته به اسلام‌هراسی غرب کمک می‌کنند.

اهداف

مقاله پژوهشی پیش‌رو، درصدد دستیابی به اهداف زیر است:

- بررسی مهم‌ترین انگیزه‌ها، اهداف غرب از سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام و ایران و چشم‌انداز آن؛
- تبیین مهم‌ترین علل نگرانی غرب از توسعه روزافزون اسلام؛
- بررسی تاکتیک‌ها و ابزارهای مورد استفاده غرب در سیاه‌نمایی علیه اسلام و ایران؛
- بررسی تأثیر تحولات منطقه‌ای و فعالیت گروه‌های تکفیری بر سیاه‌نمایی غرب علیه اسلام و ایران.

اهداف و انگیزه‌های غرب از سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام، تشیع و ایران

۱- منفور نشان دادن دین مبین اسلام
سیاستمداران آمریکایی، همواره به دنبال القای مساوی بودن اسلام با تروریسم بوده‌اند. فرد هالییدی^۱، نظریه‌پرداز انگلیسی، معتقد است اصل اساسی در بحث اسلام‌هراسی به آمریکا و رابطه این بحث با مسائلی همچون حمایت‌های نفتی، سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم برمی‌گردد. رخدادهای دهه هفتاد میلادی در آغاز تأسیس اوپک و افزایش قیمت نفت، انقلاب ایران، بحران گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکا در تهران و تحلیل‌های

¹ Fred Halliday

متعصبانه منتشر شده توسط مطبوعات در مورد این وقایع، مهم‌ترین دلایل گرایش آمریکا به پیگیری پروژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی بوده است (Shaded, 2002, 175). به عنوان کشورهای غربی در بین نیروهای نظامی خود نیز اسلام‌هراسی را ترویج می‌کنند. به عنوان مثال، نیروهای نظامی آمریکا درباره یک جنگ تمام‌عیار در آینده علیه مسلمانان مطالعه می‌کنند که مدعی هستند در چارچوب مبارزه با تروریسم انجام خواهد شد. اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی دولت‌های غربی تا حدود زیادی بر فکر و اندیشه غربی‌ها اثرگذار بوده است. بر اساس یک نظرسنجی، تنها ۳۷ درصد آمریکایی‌ها دیدگاه مساعدی به اسلام دارند. طبق نظرسنجی یک مؤسسه، ۲۲ درصد از آمریکایی‌ها نمی‌خواهند همسایه آن‌ها یک مسلمان باشد. طبق این نظرسنجی اسلام‌هراسی یا آنچه به عنوان «ترس اغراق‌آمیز، نفرت و دشمنی به اسلام و مسلمانان» نامیده می‌شود، در دهه گذشته به شدت افزایش یافته است (Abdul Malik, 2015).

۲- جلوگیری از به چالش کشیده شدن فرهنگ لیبرال دموکراسی توسط اسلام و گرایش مردم غرب به این دین

با فروپاشی بلوک شرق، غرب بر این باور بود که دیگر هیچ فرهنگی در مقابل فرهنگ لیبرال دموکراسی توانایی مقابله ندارد و حتی برخی نظریه‌پردازان این مکتب از پایان تاریخ^۱ سخن گفتند؛ اما تحولاتی در ادامه رخ داد که برخی دیگر از نظریه‌پردازان غربی همانند هانتینگتون طراح نظریه «برخورد تمدن‌ها»، را به این عقیده رساند که فرهنگ و تمدن اسلامی توان به چالش کشیدن فرهنگ و تمدن غربی را دارد. به چالش کشیده شدن فرهنگ لیبرال دموکراسی از سوی فرهنگ اسلامی، وجه دیگری نیز دارد و این وجه همان گرایش مردم غرب به پذیرش دین مبین اسلام در این کشورها است. بر اساس برخی آمارها در سال ۲۰۱۰ میلادی، حدود ۱۵ میلیون مسلمان در اروپا سکونت

۱. فرانسویس فوکویاما در مقاله‌ای با عنوان «پایان تاریخ» به این موضوع اشاره نموده است.

داشته‌اند که این رقم در سال ۲۰۴۰ میلادی به ۵۰ میلیون نفر خواهد رسید؛ بنابراین، هرگاه روند گسترش اسلام به ویژه در سرزمین‌های غرب شدت گرفته، در واکنش به آن تلاش‌ها برای مخدوش کردن چهره اسلام و مسلمانان نیز تشدید شده است. یکی از نمایندگان پارلمان هلند درباره موج اسلام‌گرایی در جوامع غربی از تعبیر «سونامی اسلامی» یاد می‌کند (جعفرپور و اسماعیلی، ۳۱ مرداد ۹۱).

همچنین طبق پیش‌بینی‌های انجام شده، تعداد مسلمانانی که در قاره آمریکا ساکن هستند در ۲۰ سال آینده دو برابر خواهد شد و از ۵/۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ میلادی به ۱۰/۹ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (pewforum, 27January2011). بنابراین غرب تلاش می‌کند اولاً با موج اسلام‌خواهی در بین جوامع طرفدار آمریکا مقابله نماید؛ ثانیاً از گرایش مردم غرب به اسلام جلوگیری کند؛ و ثالثاً مانع از افزایش شمار مسلمانان در غرب و به چالش کشیده شدن فرهنگ لیبرال دموکراسی توسط فرهنگ اسلامی شود.

۳- حضور نظامی در منطقه، ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی و حفظ امنیت متحدان منطقه‌ای

حضور نظامی غرب در منطقه، سابقه‌ای طولانی دارد. اما یکی از دلایل توجیه کننده این حضور مجدد، ادعای وجود تروریسم بوده است. البته غرب در ورای این حضور به دنبال دست‌یابی به اهداف خویش از قبیل کنترل ایران، حمایت از دیکتاتورهای منطقه، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و ... است. بنابراین آمریکا چون توانایی تغییر نظام ایران را ندارد، برای محدودسازی جدی ایران تلاش می‌کند. راهبرد محدودسازی ایران شامل اعمال تحریم‌ها و به راه انداختن جنگ روانی و جنگ فرهنگی است. در این خصوص، دیدگاه‌های ایالات متحده آمریکا با منافع رژیم صهیونیستی گره خورده است و به طور فزاینده‌ای تصمیم‌سازی‌های این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kays, Nader, 2011, 57). در این فرآیند، اسلام‌هراسی نقشی بی‌بدیل دارد، به

خصوص آن‌که غرب با تبلیغات خود تلاش کرده است در بسیاری از برهه‌ها در اذهان عمومی، اسلام را مساوی با ایران و هر دو را برابر با تروریسم در اذهان عمومی ترسیم نماید.

اما در ایجاد انگیزه مهم دیگر غرب از پیگیری پروژه اسلام‌هراسی و مساوی دانستن آن با ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه دارای جایگاه برجسته‌ای است؛ به خصوص آن‌که برخی کشورهای منطقه بنا به دلایلی نگران اسلام‌هراسی غرب نبوده‌اند. یکی از مشاوران خانواده سلطنتی سعودی‌ها، نگرانی‌های عربستان را این‌گونه بیان می‌کند: «شیعیان در پی بازتولید سلسله صفوی، یا به عبارت دیگر، تشکیل هلال شیعی از پاکستان به ایران، عراق و لبنان و در نهایت عربستان هستند» (استنسلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰).

همچنین در هزاره جدید میلادی و به ویژه تحولات یک دهه اخیر، غربی‌ها به دنبال افزایش اختلاف بین ایران و برخی کشورهای منطقه بوده‌اند؛ بنابراین طبیعی خواهد بود که رهبران عربستان سعودی تمایل دارند ناآرامی‌های سیاسی اخیر را در چارچوب رقابت گسترده‌تر فرقه‌ای و استراتژیک با ایران تفسیر کنند (Markey, 18 July 2014)؛ بنابراین غرب با هدف حضور نظامی در منطقه، ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی و حفظ امنیت متحدان منطقه‌ای‌اش بر شعله‌های اسلام‌هراسی دامن می‌زند. برخی کشورهای منطقه نیز هیزم بیار این شعله‌های سوزان هستند.

۴- جلوگیری از الگو شدن ایران اسلامی برای کشورهای منطقه و منفور نشان دادن مذهب تشیع.

از دیگر مواردی که به ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی غرب کمک کرده، وجود کشورهایی در پیرامون ایران با جمعیت شیعه و ترس از الگوگیری آن‌ها از ایران است. آن‌چه هویداست، توسعه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در سطح بین‌الملل و شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در

جهان اسلام است. این امر متمرکز بر تلاش‌هایی است که از ایران، تصویری منفی به جهانیان عرضه می‌کند. در چنین وضعیتی قدرت‌های برتر منطقه با حکومت‌های اسلامی مبتنی بر مذهب تشیع ایران یک علامت از اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در جهان محسوب می‌شود. جدا از مسائل ملی و بین‌المللی موج بیداری اسلامی نیز سبب افزایش تمرکز بر این مسئله در جهان شده که فشارها را بر کشورهای در حال توسعه دو برابر کرده است (Karimi & Alitooti, 2014, 102). از این منظر، تأثیر انقلاب ایران بر منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه بیشتر خواهد بود. یکی از دیدگاه‌های مهم در عرصه بین‌الملل در حال حاضر روابط ایران و غرب و برخورد منافع آن‌هاست که روابط فرهنگی و سیاسی و روابط دوجانبه را تحت تأثیر قرار داده است. از دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان غربی، درست از زمانی که انقلاب ایران به پیروزی رسید، قدرت‌های غربی و به ویژه آمریکا و انگلستان نگرش بدبینانه و مشکوکی به ایران پیدا کرده‌اند. آن‌ها ایران را متهم به صدور تروریسم، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی و... می‌کنند و حتی جورج بوش^۱ در یکی از سخنرانی‌هایش ایران را محور شرارت خواند (Behraves, 2015).

علاوه بر الگوگیری کشورهای منطقه از انقلاب اسلامی که باعث ایران‌هراسی شده، موقعیت جغرافیایی خاص کشورمان نیز در برهه‌هایی بر ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی غرب تأثیرگذار بوده است؛ زیرا موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران سبب شده تا این کشور به عنوان یک کشور بین‌المللی شناخته شود؛ به عبارت دیگر ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود در تلاقی با قدرت‌های بزرگ قرار دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

۵- جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران و ایجاد ترتیبات امنیتی ضد ایرانی

سیاست مهار از راهبرد کلان آمریکا منشأ می‌گیرد. براساس این راهبرد از ظهور هر قدرت منطقه‌ای در مناطق حساس جهان که بتواند برتری آمریکا را به چالش بکشد، جلوگیری شود. آمریکا در برابر ایفای نقش طبیعی ایران در حوزه‌های فرهنگی - مذهبی در سطح

^۱ Georg W Bouch

منطقه‌ای عاملی بازدارنده محسوب می‌شود و به همین دلیل ادراک مبتنی بر چالش‌گری و تهدیدگری سیاست‌های آمریکا، ادراک غالب دولتمردان ایران به شمار می‌آید؛ چرا که ایران بنا بر ماهیت ایدئولوژیک‌گرا و فرهنگ محور خود، ذاتاً به گسترش اسلام‌گرایی در فراروی مرزهای خود، برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای تمایل دارد. به ویژه، تداوم طبیعی فرهنگ خود در خاک همسایگان شرقی و غربی را سرمایه‌ای ارزنده در این مسیر تلقی می‌کند (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۵). از سوی دیگر غرب بر این عقیده است که اگر دولتی در منطقه خاورمیانه بسیار قدرتمند شود و یا اگر یک قدرت خارجی بتواند در این منطقه مداخله کند، ممکن است قادر باشد بر کشورهای تولیدکننده نفت سلطه پیدا و در عرضه انرژی مداخله کند که با منافع و خواست آمریکا تطابق نداشته باشد (Walt, 25 October 2013). نوام چامسکی^۱، نظریه‌پرداز آمریکایی، معتقد است که بخش عظیمی از مخازن انرژی در خاورمیانه متمرکز بر منطقه‌ای است که برخی از آن با عنوان هلال شیعی یاد می‌کنند. وی معتقد است کنترل ایران بر این هلال، کابوسی وحشتناک برای آمریکا است. به باور چامسکی هلال شیعی مربوط به دوره جنگ سرد است. تهران مرکز این هلال است و حزب الله در جنوب لبنان و منطقه شیعه نشین در جنوب عراق و بخشی از سوریه را پوشش می‌دهد (Ahmadi, 2011, p244)؛ اما یکی دیگر از اهداف و انگیزه‌های غرب از پیگیری پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای برای مقابله با ایران است. شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران بود؛ اما جدیدترین مورد از تلاش در ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای را می‌توان، تلاش‌های عربستان سعودی در این زمینه دانست.

عربستان سعودی در اوایل سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که یک ائتلاف نظامی با مشارکت ۳۴ کشور برای مبارزه با تروریسم تشکیل داده است. محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد عربستان و وزیر دفاع این کشور، اعلام کرد که این ائتلاف جدید نه تنها داعش بلکه پدیده

¹ Noam Chomsky

تروریسم را در تمامی مناطق جهان اسلام هدف قرار خواهد داد (خبرگزاری ایسنا، ۲۴ آذر ۹۴). آشکارا پیداست که مهم‌ترین هدف این‌گونه ائتلاف‌ها، مقابله با قدرت تهران است. به باور کارشناسان مسائل خاورمیانه، ریاض راهبردی گسترده را در دستور کار دارد که مبنای آن ایجاد یک بلوک از دولت‌ها و ارتش‌های سنی مذهب در منطقه است که با جمع شدن حول محور ریاض، با قدرت شیعیان (یعنی ایران، عراق و لبنان) به مقابله پردازند.

۶- تلاش برای ایجاد تغییرات در ساختار و یا رفتار ایران و ایجاد اختلاف در جامعه ایران

به قدرت رسیدن جورج دبلیو بوش و پیوند معنایی و فکری وی با طیف نومحافظه‌کار بیانگر این واقعیت بود که ایالات متحده آمریکا، بی‌تردید در چشم‌انداز سیاست خارجی خود بر اتخاذ رویکردهای سخت‌افزاری^۱ پافشاری خواهد کرد. این ارزیابی با تحولات و وقایع پس از ۱۱ سپتامبر به خوبی ماهیت تهاجمی راهبرد کلان آمریکا را در قالب اشغال نظامی افغانستان و عراق با توسل به «تئوری دومینو» به اثبات رساند. در تداوم چنین بستری، موضوع تغییر رژیم ایران نیز در محافل و مخازن فکری^۲ وابسته به نومحافظه‌کاران در دستور کار قرار گرفت.

در این زمینه، ریچارد پرل^۳، از چهره‌های سرشناس نومحافظه‌کار آمریکا، در یکی از مصاحبه‌هایش با رادیو فردا می‌گوید: «به نظر من، حکومت فعلی ایران نه می‌تواند خود را اصلاح کند و نه می‌خواهد که اصلاح شود. تنها تغییر رژیم از طریق حمله نظامی می‌تواند ضامن دموکراسی و احیای حقوق فردی در ایران باشد» (رادیو فردا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۶). غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا برای رسیدن به این هدف یعنی تغییر رژیم در

^۱ Hard Power

^۲ Think Tanks

^۳ Richard Perl

ایران با ابزار رسانه، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را برای اقناع افکار عمومی منطقه و جهان دنبال نمود تا بتواند اقدامات احتمالی خود را در آینده علیه ایران توجیه نماید؛ اما پس از شکست پروژه تغییر رژیم، همچنان ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی با شدت بیشتری دنبال می‌شود. هدف بعدی غرب تغییر رفتار دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران بود. آن‌ها به دنبال این هستند که ایران اسلامی مطابق خواست و اراده غرب رفتار نماید و برای واداشتن ایران به این تغییر رفتار، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را دنبال می‌کنند.

مراکز نظیر مؤسسه بروکینز^۱، شورای غیردولتی روابط خارجی، مرکز نیکسون^۲، بنیاد کارنگی^۳ برای صلح جهانی و مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون^۴ و محققانی چون جفری کمپ^۵، ری تکیه^۶، زیگنیو برژینسکی^۷، ریچارد هاس^۸ و هنری کیسینجر^۹ نمایندگان رویکرد تعامل‌گرا و تغییر رفتار به شمار می‌روند. در این روش، غرب تلاش دارد از یک سو پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و از سوی دیگر با نفوذ در برخی مراکز ایران، تغییر رفتار این کشور را دنبال نماید. شاید برجسته‌ترین موضع‌گیری‌های غرب در این زمینه درخواست از ایران و مقامات ایرانی برای داشتن رفتاری متفاوت است. غرب در کنار تلاش برای تغییر رژیم و همچنین تغییر رفتار ایران در ورای شیعه‌هراسی و به خصوص ایران‌هراسی، با تبلیغات ضد نظام جمهوری اسلامی ایران، به دنبال دو قطبی کردن جامعه و ایجاد اختلاف بین مردم و حکومت است. در این مرحله غرب با استفاده از ابزار رسانه به دنبال القای این اندیشه است که مشکلات ایران ناشی از عدم رابطه با غرب است و

¹ Brookings Institution

² Nixon

³ Carnegie Corporation

⁴ Woodrow Wilson

⁵ Geoffrey Kemp

⁶ Ray Takeyh

⁷ Zbigniew Kazimierz Brzezinski

⁸ Richard Haass

⁹ Henry Alfred Kissinger

ایران‌هراسی در کار نیست، بلکه تبلیغ ایران‌هراسی زاییده توهم افکار و اندیشه‌های مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ به خصوص آن‌که نظام ایران نظامی دینی است و رفتار نمایندگان این نظام با مردم به گونه‌ای غیر مستقیم به معنای عملیاتی شدن واقعیت دین تعبیر می‌گردد. همچنین در پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، غرب تلاش دارد تا به مردم ایران القا نماید که در کشور امنیت سیاسی وجود ندارد. امنیت سیاسی به معنای وجود فضایی سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هر چند مخالف دولت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد (امیرخانی، ۱۳۹۰، ص ۹۱). در این مرحله از اقدامات، غرب تلاش دارد تا ملت ایران را از حاکمیت جدا نماید. همچنان که جورج بوش در سخنرانی ۲۹ ژانویه ۲۰۰۳ میلادی بارها از تهدیدی به نام «جمهوری اسلامی» اسم برده و از ملت ایران به عنوان «ملت به گروگان گرفته شده» یاد کرده و هدف خود را به صراحت آزاد کردن این ملت گوشزد کرده است (آیتی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹).

در این راهبرد نظام سلطه تلاش می‌کند تا از راه‌های مختلف، ضمن گسست میان افراد جامعه، آن‌ها را به مسئولان بدبین و فضای یأس در جامعه ایجاد کند. این راهبرد که با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی، نشریات و... صورت می‌گیرد؛ دو راهبرد دیگر را دنبال می‌کند: در راهبرد اول تلاش می‌شود تا فرهنگ خودی را تخلیه کنند که این راهبرد از راه ایجاد تردید در بنیان‌های ارزشی، ترویج فساد، رواج فرقه‌گرایی، از خود بیگانگی و تقویت روشنفکری وابسته پیگیری می‌شود. راهبرد مرحله دوم نیز، جایگزین کردن فرهنگ بیگانه است که از راه ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای، تحریف تاریخ، تغییر خط و زبان و حذف و تبدیل میراث‌های فرهنگی پیگیری می‌شود (مسگرنژاد، ۱۳۷۳، ص ۲۹۱).

تاکتیک‌های غرب در سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام و ایران

۱- استفاده ابزاری از تروریسم

حوادث ۱۱ سپتامبر بیش از هر حادثه دیگری به غرب امکان داد تا با استفاده ابزاری از تروریسم، به ترویج اسلام‌هراسی کمک کرد. غرب تلاش می‌کند تا اسلام را با تروریسم مساوی و این‌گونه وانمود کند که دین اسلام تروریسم را گسترش می‌دهد. البته پس از اقدامات ضد بشری تروریست‌ها، آمریکا نیز برای در امان ماندن از فشار افکار عمومی تلاش دارد تا تروریسم را کنترل کند. در این مرحله، در نهایت غرب به این نتیجه رسیده است که نمی‌تواند با افکار عمومی منطقه و جهان مقابله نماید. البته در این مرحله هدف غرب نابودی کامل گروه‌های تروریستی نیست، زیرا گروه‌های تروریستی در بسیاری موارد بر مدار منافع منطقه‌ای آمریکا حرکت می‌کنند. همچنین برخی کشورهای مرتجع منطقه نیز در مدار غرب قرار دارند و به گسترش تروریسم کمک می‌کنند.

شورای روابط خارجی آمریکا، در گزارشی تصریح می‌کند که اشخاص و نهادهای عربستان سعودی برای چندین سال مهم‌ترین منبع تأمین مالی القاعده بود و مقامات سعودی از این مسائل چشم‌پوشی کرده‌اند. علاوه بر این در نوامبر ۲۰۰۲ میلادی، در گزارش‌های مطبوعاتی عنوان شد که همسر شاهزاده بندر بن سلطان، سفیر سابق عربستان سعودی در آمریکا، به عوامل مرتبط با هواپیماربایان یازده سپتامبر کمک کرده است (Prados, 15 September 2003). به تازگی نیز در گزارش حوادث ۱۱ سپتامبر و به خصوص در ۲۸ صفحه‌ای که فعلاً محرمانه مانده به نقش مستقیم و یا غیرمستقیم عربستان سعودی در این حملات اشاره شده است.

۲- جنگ رسانه‌ای

بنیادی‌ترین تعریف از جنگ رسانه‌ای، استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها به منظور دفاع از منافع ملی است (ضیایی پرور،

۱۳۸۸، ص ۱۱). در ایالات متحده عملاً پنج شرکت، کار تهیه و پخش اخبار ملی و بین‌المللی را انجام می‌دهند که عبارت‌اند از: «ای.بی.سی، سی.بی.اس، ان.بی.سی، سی.ان.ان و فاکس نیوز». در آمریکا بیش از نیمی از روزنامه‌ها، به طور مستقیم و بقیه به طور غیر مستقیم در کنترل یهودیان که فقط ۲ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، قرار دارد. سردبیران سه مجله خبری هفتگی مهم و معتبر آمریکا یعنی تایم، نیوزویک و اخبار آمریکا و گزارش‌های جهان همگی یهودی هستند (همان، صص ۷۶-۷۳). این بنگاه‌های خبری و هزاران روزنامه، روزانه صدها ساعت خبر درست را با دروغ آمیخته و علیه اسلام، تشیع و ایران پخش کرده و به طور برنامه‌ریزی شده پروژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را دنبال می‌کنند. علاوه بر پخش خبرهای ضد اسلامی و ایرانی، فیلم‌های هالیوودی نیز نقش بی‌بدیلی در ترویج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی دارند. به گونه‌ای که از همان ابتدا در سینمای غرب، مسلمانان افرادی شرور و خبیث و شارلاتان و یا حتی بی سر و پا و در خوش‌بینانه‌ترین نگاه، مضحک و مسخره نمایش داده می‌شوند. در مجموع این که در فیلم‌های هالیوودی از شگردهای مختلفی برای مقابله با اسلام و تضعیف جایگاه آن استفاده می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از تبلیغ عرفان‌های سکولار، تهاجم فرهنگی و ترویج انحرافات مادی‌گرایانه، بی‌تمدن، عقب‌مانده و تروریست جلوه دادن مسلمانان، برتر جلوه دادن یهودیان در تمام عرصه‌ها و تحقیر دیگر ادیان (تارنمای واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی صداوسیما، ۲۵ شهریور ۹۴).

۳- تلاش در ایجاد سوء برداشت از جهان اسلام در بین ملل غربی

دولتمردان غربی تلاش دارند تا ملت‌هایشان واقعیت اسلام را هیچ‌گاه درک نکنند، بلکه آنچه رسانه‌های غربی از اسلام ترویج و پخش می‌کنند، ملاک قضاوت مردمانشان در خصوص اسلام، شیعه و ایران قرار گیرد. مواد درسی دانشگاهی در غرب، هنوز هم اطلاعات غلط و گمراه‌کننده‌ای از اسلام در خود دارند که در مکتب شرق‌شناسی ریشه

دارد. آنان اسلام را از طریق مستشرقین می‌شناسند. در کنار چنین مسئله‌ای، رسانه‌های غربی تصویری غیر واقعی از مسلمان و مسلمانی ارائه داده و برداشتی یک‌جانبه از اسلام را به افکار عمومی اروپا و غرب عرضه کرده‌اند که در آن مسلمانان خود را برتر از دیگران می‌دانند. هالیوود با آگاهی و درک غلط مخاطب غربی و با استفاده از شیوه قطره چکانی و تحریف واقعیت، این حرکت‌ها را که عمدتاً جنبه تدافعی دارد به سمت تهاجمی نشان دادن سوق می‌دهد و با استفاده از تکنیک‌های رایج در سینما و فیلم‌سازی این حرکت‌ها را با تحرکات تروریستی همسان‌سازی می‌کند. در فیلم‌هایی چون «پرواز شماره ۹۳»، «قفسه رنج»، «بی‌مصرف‌ها» و «سیرینا» از این تاکتیک استفاده شده است (جعفرپور و اسماعیلی، ۱۳۹۱).

۴- تلاش برای برتر نشان دادن تمدن و فرهنگ غربی در مقایسه با تمدن و فرهنگ

اسلامی

غرب در تبلیغات ضد اسلامی خود تلاش دارد اسلام را دینی ایستا، ضد توسعه و پیشرفت، خشونت‌گرا، تجدیدنظر طلب و ... معرفی و در مقابل فرهنگ و اندیشه لیبرال دموکراسی را فرهنگی مناسب جوامع پیشرفته و مدرن معرفی نماید. البته واقعیت این است که دین مبین اسلام دارای کمترین قرابت با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غربی است. بسیاری از اندیشه‌های لیبرال دموکراسی با مبانی دینی ناسازگاری دارد؛ موضوعاتی نظیر آزادی‌های کامل فردی، جنسی، معاشرتی، آزادی استفاده از مشروبات الکلی، آزادی‌های بی‌قید و بند زنان و ... از این دسته‌اند. هالیوود در معرفی برتری لیبرال دموکراسی در اذهان ملت‌های غربی نقشی بارز داشته است. از اولین سال‌های تولید فیلم در هالیوود ضمن تمسخر جامعه شرقی، اسلام به عنوان دینی که در مشرق زمین رایج است مورد هجمه بوده است و در هالیوود به تدریج ایدئولوژیک‌تر و پررنگ‌تر شده که نمونه آن فیلم «ال سید» است. در این فیلم چهره‌ای خون‌ریز و خون‌آشام از اعراب مسلمان به نمایش درآمده است. در

حالی که این فیلم اروپاییان را افرادی متمدن و دین‌دار که برای حفاظت از شرف اروپایی خود با مسلمانان به جنگ پرداختند، معرفی می‌کرد (همان).

۵- تحریک احساسات مذهبی و ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی

غرب در سال‌های جاری از این تاکتیک و روش به خوبی سود جسته و اختلافاتی را بین اهل سنت و شیعیان و همچنین بین عرب و عجم برنامه‌ریزی کرده است. یکی از تلاش‌های غرب در این زمینه، تلاش برای گفتمان‌سازی پیرامون «هلال شیعی» است. در واقع رهبران ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با برجسته‌سازی مفهوم هلال شیعی تلاش می‌کنند با منحرف کردن اذهان تصمیم‌ساز اعراب از رژیم صهیونیستی و افزایش نگرانی‌ها در مورد تسلط مذهب شیعه به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه به اهداف خود دست یابند (Badiee, Kiani, 2014, pp.103- 104). متأسفانه برخی از کشورهای عربی و اسلامی و همچنین گروه‌های وهابی نیز خواسته یا ناخواسته به پیاده نظام غربی‌ها تبدیل شده‌اند و به اقداماتی دست می‌زنند که رژیم صهیونیستی را بیش از پیش به اهداف خود نزدیک می‌کند. در واقع، نوعی ائتلاف نانوشته بین القاعده و حامیان عربی آن‌ها و رژیم صهیونیستی شکل گرفته است با این ائتلاف برخی از کشورها مانند عربستان سعودی می‌خواهند انتقام باخت در سوریه، عراق و لبنان را بگیرند و برخی دیگر مانند قطر می‌خواهند ضمن تحقق بخشیدن به بلندپروازی‌های خویش، به رژیم صهیونیستی در تجزیه کشورها کمک کنند و از این طریق حاشیه امنی برای خود به عنوان یک کشور ذره‌ای ایجاد کنند (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲). غرب برای غلبه بر ناتوانی‌های خود در منطقه و به دلیل نگرانی از به خطر افتادن منافع درازمدتش به اقدامی تاکتیکی و به عبارت بهتر اتخاذ راهبرد کوتاه مدت «جنگ مذهبی» در منطقه متوسل شده است.

در نهایت این‌که از دیگر تاکتیک‌های غرب در پیگیری اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران-هراسی، می‌توان به استفاده غرب از دیپلماسی عمومی، ترساندن کشورهای منطقه از ایران

و فروش تسلیحات به این کشورها، استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر، ایجاد اختلاف در جامعه و دو قطبی کردن آن و نفوذ در جامعه ایران، بسترسازی تنش‌های قومی و فرقه‌ای در مرزهای شرقی و غربی ایران، بهره‌گیری از بار منفی واژه‌ها و کلمات و مفاهیم حساسیت برانگیز در افکار عمومی (نسبت دادن بنیادگرایی به ایران)، بهره‌گیری از تاکتیک ارباب (القای خطر فناوری موشکی ایران برای اروپا)، انگاره‌سازی‌های هدفمند (کنار یکدیگر قرار دادن برخی تصاویر، مثلاً وقتی اخباری از اسلام و یا ایران پخش می‌شود، بیابانی بی‌آب و علف و سرزمینی عقب افتاده به تصویر کشیده می‌شود)، استفاده از تاکتیک همسان‌سازی (مثلاً نام برخی نهادهای انقلابی را در کنار نام تروریست‌ها قرار دادن)، تحریف اخبار مرتبط با ایران (غیر صلح‌آمیز معرفی کردن پیشرفت‌های موشکی ایران)، القا مستقیم و غیرمستقیم (معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت در جهان)، بهره‌گیری از تکنیک تکرار (ایران به دنبال استیلا بر کشورهای منطقه است) و... اشاره نمود.

نتایج سیاه‌نمایی گسترده غرب علیه اسلام و ایران و چشم‌انداز آن

۱- ایجاد و یا تقویت سازمان‌های تروریستی توسط غرب در منطقه

ایالات متحده آمریکا تروریسم را نه به عنوان دشمن سخت خود، بلکه به عنوان ابزاری در خدمت منافعش تلقی می‌کند؛ بنابراین اصرار بر ادامه اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی وجود گروه‌های تروریستی را برای غرب ضروری و توجیه‌پذیر می‌کند. به عنوان مثال ایالات متحده در قبال بروز و ظهور داعش، پس از اقدامات ضد انسانی و ضد بشری آن‌ها در برهه‌هایی سکوت کرد. در این مرحله، غرب با هدف‌های گوناگون سیاست سکوت را در پیش گرفت. علت اتخاذ این سیاست از یک سو مغایرت و ناسازگاری اقدامات داعش با شعارهای حقوق بشری آمریکا بود و از سوی دیگر آمریکا بنا به دلایل گوناگون در پی نابودی کامل داعش نیست که از جمله این دلایل می‌توان به تأثیر نابودی

داعش بر افزایش قدرت منطقه‌ای ایران اشاره کرد. در مجموع آنچه مشخص است این است که آمریکا، در این مرحله به دنبال تولید ناامنی برای کشورهای منطقه به منظور تقویت اسلام‌هراسی و جلب توجه آن‌ها به اقدامات نجات بخش غرب، تشویق به خرید سلاح‌های آمریکایی و توجیه حضور نظامی غربی‌ها در این کشور بوده است.

۲- فشار بر مسلمانان ساکن در کشورهای غربی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حملات ۱۱ سپتامبر، سرنگونی رژیم بعث، پیروزی شیعیان در انتخابات عراق، تحولات دنیای عرب در چند سال اخیر و ... هر یک باعث اسلام-هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی شده است. پیگیری پروژه «هرسه‌هراسی» در غرب توسط دولتمردان غربی و کشورهای اقماری آن‌ها باعث فشار بر مسلمانان، شیعیان و ایرانی‌ها شده است و آن‌ها بارها به دلایل پوچ و واهی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیقات منتشر شده توسط چند مرکز تحقیقاتی و دانشگاهی تحقیقات علوم اسلامی استرالیا از نرخ بالای اسلام‌هراسی در این کشور حکایت دارد و نشان می‌دهد مسلمانان در شهر سیدنی استرالیا سه برابر دیگر شهروندان این کشور مورد تبعیض و نژادپرستی قرار می‌گیرند. بر اساس این گزارش ۵۷ درصد مسلمانان سیدنی، نژادپرستی را تجربه کرده و ۶۲ درصد از آن‌ها با این تجربه هنگام شغل‌یابی مواجه شده‌اند (پایگاه خبر و تفسیر برون‌مرزی، ۹ آذر ۹۴)؛ بنابراین یکی از نتایج سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام، ایران و تشیع فشار بر مسلمانان کشورهای غربی به بهانه مبارزه با افراطی‌گری و تروریسم است. غرب که خود از بانیان اصلی گروه‌های تروریستی بوده است. در این برهه و با اهداف گوناگون به دنبال رفع اتهام از خود می‌باشد و مسلمانان را در تنگنا قرار می‌دهد تا بتواند به اهدافی از قبیل توجیه مداخله نظامی، فروش تسلیحات و... دست یابد.

۳- افزایش اختلاف بین ایران و برخی اعراب منطقه و برجسته‌سازی اختلافات مذهبی پروژه ایران‌هراسی، یک پروژه روانی گسترده با هدف اهریمن‌نشان دادن ایران است. این پروژه حوزه‌های مختلفی دارد اما هدف اصلی آن تحت تأثیر قرار دادن کشورهای همسایه و سپس کشورهای دیگر دنیا است. روابط بین عربستان سعودی و ایران، تقریباً به طور مداوم از سال ۲۰۰۳ میلادی بدتر شده و این روند با موج بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰ میلادی شتاب بیشتری به خود گرفته است. عربستان سعودی و متحدان آن به انقلاب ایران به عنوان رویه‌ای خطرناک می‌نگرند و بیم آن دارند که بر ثبات پادشاهی‌های منطقه تأثیر بگذارد (Steinberg, 2014,p13).

آمریکا و عربستان جبهه مقاومت و هلال شیعی در منطقه با محوریت ایران را یکی از مهم‌ترین موانع در برابر طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌هایشان برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ می‌دانند (Salavatian & other, 2015,p146). غرب با حمایت رژیم صهیونیستی، در صدد است تا با تخریب وجهه ایران از طریق تلاش‌های دیپلماتیک موقعیت ایران را تضعیف کند. در همین راستا، تجهیز گروه‌های وهابی و تکفیری و تلاش برای کارشکنی در توافقات هسته‌ای از جمله اقداماتی است که در این راستا قابل تحلیل است. بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان معتقدند پروژه اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی از سال‌ها قبل توسط شبکه‌های مخفی آمریکایی و انگلیسی در منطقه دنبال می‌شده است. رهبران شیعی عراق و ایران معتقدند آژانس‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی و همچنین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس همچون عربستان و قطر از عملیات‌های نظامی در خاورمیانه علیه شیعیان دارند در سطحی گسترده حمایت می‌کنند (Taheri, 15 September 2015). در مجموع واشنگتن در پیگیری پروژه ایران‌هراسی به دنبال این هدف است که با ایجاد هراس از قدرت نفوذ ایران در منطقه در بین کشورهای عربی، این کشورها را وادار کند تا در میدان بازی تعیین شده خود بازی کنند.

۴- فروش تسلیحات به کشورهای منطقه به بهانه مقابله با قدرت ایران

غرب بیش از هر چیز از سیاست ایران‌هراسی برای فروش تسلیحات نظامی به کشورهای خاصی استفاده کرده است. پنج ماه قبل از جنگ تحمیلی، مقامات ایالات متحده آمریکا ارتباطاتی را با رژیم صدام برقرار کردند و به طرف عراقی وعده دادند در صورت حمله به ایران از کمک‌های ایالات متحده بهره‌مند خواهد شد (دلفروز، ۱۳۹۳، ص ۳۵۹). یا این‌که حُسنی مبارک، رئیس‌جمهوری منحلوع مصر، در ژانویه ۲۰۰۷ میلادی بیان داشت: «ما قصد نداریم در منطقه رقابت تسلیحاتی به راه بیندازیم اما چاره‌ای جز دفاع از خود نداریم. ما مجبور هستیم در مقابل تهدیدها بر قدرت خود بیفزاییم. منطقی نیست ما بنشینیم و افزایش قدرت سایرین را تماشا کنیم» (تراپی، ۱۳۸۹، ص ۷۰).

آمریکا علاوه بر فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، تلاش خود را برای جلوگیری از فروش تسلیحات به ایران به کار بسته و در فروش موشک‌های اس ۳۰۰ روسیه در چند سال گذشته به ایران اخلاص کرده است. تلاش غرب برای ممانعت از آن در همین راستا قابل تحلیل است (Huma, 2010, p217).

«لارنس کورب»^۱، معاون سابق وزیر دفاع آمریکا، در خصوص خریدهای جدید عربستان سعودی می‌گوید: «عربستان پس از لغو تحریم‌های هسته‌ای از بیم تقویت قابلیت نظامی ایران، سفارش‌های خود برای خرید سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا را افزایش داده است». وی اعلام کرد: «آمریکا تصمیم گرفته با ارائه تسلیحات بیشتر به متحدانش، منطقه را از طریق موافقت با فروش‌های نظامی بیشتر، آرام کند». وی افزود: «برای نشان دادن این‌که ما (آمریکا) در طرف شما (متحدان خود در منطقه خلیج فارس) هستیم، به شما تسلیحات بیشتر خواهیم فروخت» (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۳ مرداد ۹۴).

¹ Lawrence Korb

۵- شکل‌گیری قطب‌های مختلف در منطقه

غرب با تقویت پروژه ایران‌هراسی و ترساندن کشورهای منطقه از ایران به دنبال ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای دلخواه خویش است. با فروپاشی رژیم بعث و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، در عمل دو قطب مخالف در منطقه شکل گرفته است. در یک قطب ایران و کشورهای گروه مقاومت قرار دارند و در قطب مخالف گروه کشورهای سازش کار به رهبری عربستان واقع شده‌اند. ادامه پروژه ایران‌هراسی باعث خواهد شد که حتی قطب‌های کوچک‌تر و یا اتحادهای دو، سه و یا چندجانبه نیز شکل بگیرند. این اتحادها یا علیه محور مقاومت به وجود خواهند آمد و یا با حضور کشورهای محور مقاومت تشکیل خواهند شد.

ریاض بیش از هر دوران دیگری به دنبال تشکیل به اتحادهای درون منطقه‌ای علیه ایران اسلامی است. حمله به یمن در قالب ائتلاف در این راستا قابل ارزیابی است. همچنین ریاض در اوایل سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که به دنبال تشکیل ارتش کشورهای اسلامی برای مقابله با تروریسم در منطقه است. واضح است که مهم‌ترین هدف ریاض از شکل دادن به چنین ائتلاف‌هایی تضعیف محور مقاومت خواهد بود.

پروفسور «نادر انتصار»، استاد ایرانی روابط بین‌الملل و رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه «آلاباما»، در این خصوص بیان داشته است: «دولت عربستان در آغاز از گروه‌های افراطی ضد شیعه در عراق پشتیبانی و تا امروز سیاست خارجی مخربی را در مورد عراق دنبال کرده است». وی در ادامه آورده: «با توجه به نفوذ وهابیت و به خصوص وهابیون افراطی در سیاست خارجی عربستان سعودی، واضح بود که تهران و ریاض به‌عنوان دو قطب مخالف در عراق رو در روی یکدیگر خواهند ایستاد» (دیپلماسی ایرانی، ۲۷ اردیبهشت ۹۳).

در مجموع این‌که یکی از نتایج مهم ایران‌هراسی غرب در منطقه، شکل‌گیری و یا تقویت اتحادها و ائتلاف‌ها در درون منطقه خواهد بود. اتحادها و ائتلاف‌هایی که بیشترشان به

رهبری جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شکل خواهند گرفت. البته یکی از دلایل مهم و داخلی ریاض از شکل‌دهی به این ائتلاف‌ها ترس از گسترش اعتراض‌های جهان عرب به درون پادشاهی سعودی است.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دلیل پیگیری پروژه اسلام‌هراسی توسط غرب، نیاز به دشمن است. غرب در هر برهه‌ای می‌بایست کشور و یا تمدنی را به عنوان دشمن معرفی کند تا در بستر آن به اهداف خود دست یابد. همچنین ترس از گرایش جوانان غربی به اسلام و افزایش شمار مسلمانان در کشورهای غربی، منفور نشان دادن دین مبین اسلام و القا فرودست بودن آن نسبت به دیگر ادیان، توجیه حضور نظامی در منطقه و ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی و حفظ امنیت متحدان منطقه‌ای، جلوگیری از الگو شدن ایران اسلامی برای کشورهای منطقه و منفور نشان دادن مذهب تشیع، جلوگیری از قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران، ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای ضد ایران و فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و تلاش برای ایجاد تغییرات در ساختار و یا رفتار ایران و ایجاد اختلاف در جامعه از جمله مهم‌ترین دلایل پیگیری پروژه اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از سوی غرب است. غرب تلاش دارد تا در سه سطح با سود بردن از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی به اهداف خود در قبال جمهوری اسلامی دست یابد. سطح اول، تهدید نشان دادن ایران برای کشورهای منطقه و همچنین کشورهای غربی؛ سطح دوم، تغییر نظام و یا حداقل تغییر رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران و سطح سوم، ایجاد فاصله و اختلاف بین مردم و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با سیاه‌نمایی اقدامات نرم ایران در سطح منطقه.

غرب برای پیگیری پروژه اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از تاکتیک‌های گوناگونی سود می‌برد. از جمله مهم‌ترین این تاکتیک‌ها می‌توان به استفاده ابزاری از تروریسم، جنگ رسانه‌ای، تلاش در ایجاد سوء برداشت از جهان اسلام در بین ملل غربی،

تلاش برای برتر نشان دادن تمدن و فرهنگ غربی، تحریک احساسات مذهبی و ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، استفاده از دیپلماسی عمومی، ترساندن کشورهای منطقه از ایران و فروش تسلیحات، استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر، ایجاد اختلاف در جامعه و دو قطبی کردن آن و نفوذ در جامعه ایران و بسترسازی برای تنش‌های قومی - فرقه‌ای در مناطق مرزی ایران اشاره کرد. در نهایت این‌که «هر سه‌هراسی» غرب دو سمت و سو دارد؛ جهت اول آن ایجاد تنفر در اذهان ملت‌های غرب به دنیای اسلام، تشیع و ایران است؛ اما سمت و سوی دیگر این رسانه‌ها، نفوذ در اندیشه و اذهان مسلمانان است تا شانتاژ رسانه‌های غربی و ایجاد شبهاتی که دربارهٔ مقدسات اسلامی و شیعی مطرح می‌کنند، بپذیرند.

منابع

- آیتی. علیرضا. (۱۳۸۶). طرح ژئوپولیتیک جدید آمریکا - خاورمیانه و محیط پیرامونی، در کتاب خاورمیانه ۱ ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- استنسلی. استیگ. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی سیاسی قدرت در عربستان. ترجمه: نبی‌الله ابراهیمی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ترابی. قاسم. (۱۳۸۹). نامه دفاع: سیاست هسته‌ای آمریکا و راهبرد شورای همکاری خلیج فارس. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی - معاونت پژوهش
- جعفری ولدانی. اصغر. (۱۳۸۲). روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی). تهران: انتشارات آوای نور
- دلفروز. محمدتقی. (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا. تهران: چاپ اول. نشر آگاه
- ضیایی پرور. حمید. (۱۳۸۸). جنگ نرم، ویژه جنگ رسانه‌ای. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر. معاونت پژوهشی. چاپ پنجم

- فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنکی. (۱۳۸۸). تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر. ترجمه: علی مرشدی زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- قلخان‌باز. خلیل. (۱۳۹۰). کاربرد قدرت هوشمند آمریکا علیه ایران و راهکارهای مقابله با آن. تهران: انتشارات حنیفا
- متقی. ابراهیم و پوستین‌چی. زهره. (۱۳۹۰). الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: چاپ اول. انتشارات دانشگاه مفید
- مسگرنژاد. جلیل. (۱۳۷۳). جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازدارندگی تهجم فرهنگی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی (ره)
- امیرخانی. کاوه. (۱۳۹۰). "مکتب امنیتی امام خمینی (ره)". فصلنامه مطالعات راهبردی. سال چهاردهم. شماره چهارم. زمستان ۱۳۹۰
- جعفرپور، نجف. حسین، اسماعیلی. (۳۱ مرداد ۹۱). "اسلام هراسی در سینمای هالیوود بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱". قابل دسترس در:
- <http://www.siasatrooz.ir/vdcciigm.2bqee8laa2.html>
- کاظم‌زاده. احمد. (۱۳۹۲). "چه کسی از فتنه مذهبی در خاورمیانه سود می‌برد؟". قابل دسترس در:
- <http://siasatema.com/vdcbz9b8.rhbwzpiuur.html>
- خبرگزاری ایسنا. (۲۴ آذر ۹۴). "به نیت جنگ افروزی بیشتر؛ عربستان هم ائتلاف نظامی ضد ترور تشکیل داد". قابل دسترس در:
- <http://www.isna.ir/fa/news/94092413586>
- تارنمای رادیو فردا. (۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۶). "گفت‌وگوی ریچارد پرل با رادیو فردا". قابل دسترس در:
- <http://www.radiofarda.com>
- تارنمای واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی صداوسیما. (۲۵ شهریور ۹۴). "نقش هالیوود در پیشبرد سیاست اسلام هراسی". قابل دسترس در:
- <http://arc.irib.ir/item/87060>
- پایگاه خبر و تفسیر برون‌مرزی. (۹ آذر ۹۴). "پروژه‌های اسلام هراسی غرب و افزایش فشار به مسلمانان استرالیا". قابل دسترس در:
- <http://news.irib.ir/news/asia-oceania/item/79900>

- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب. (۱۳ مرداد ۹۴). "افزایش خریدهای تسلیحاتی عربستان / سعودی‌ها معتقدند ایران از لحاظ نظامی تهاجمی خواهد شد". قابل دسترس در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/218857/%>

- دیپلماسی ایرانی. (۲۷ اردیبهشت ۹۳). "عراق همچنان صحنه رقابت میان تهران و ریاض است". قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1932909>

- Abdul malik. Mujahid (2011) **Islamophobia statistics**". Available at: <http://www.soundvision.com/article/islamophobia-statistics-usa-2011>

- Ahmadi. A (2011). **Iran Islamic religion and Shia**

Geopolitics, publishing institute britg idea maker.

- Alfred B. Prados. (15/9/2003). **Saudi Arabia: current issues and US relations**", September 15, 2003, congressional research service, crs

- Badiee. Marjan. Vahid. Kiani. (winter 2014). **American Shia geopolitics discourse within the Islamic Republic** / geopolitics quarterly

- Behraves. Maysam. (07/11/2015). **The Hidden Enemy Out There: Western Iranophobia and Iranian Westophobia**". Available at: <http://www.researchgate.net/publication/233778928>

- Dalia. Dassel. Kaye. Alireza Nader. (2011). **Israel and Iran**", Rand national defense institute. Available at: <http://www.rand.org/nsrd/ndri.html>

- Daniel. Markey. (July.18.2014). **Saudi Arabia's New Strategic Game in South Asia**", Available at: <http://nationalinterest.org/feature/saudi-arabia%E2%80%99s-new-strategic-game-south-asia-10909>

- Steinberg. Guido. (July. 2014). **The Counter-Revolution, Saudi Arabia and the Arab Spring**". SWP Research Paper. German Institute for International and Security Affairs. June 2014. Berlin. Available at: http://www.swpberlin.org/fileadmin/contents/products/research_papers/2014_RP07_sbg.pdf

- Richard. Haass. (November/December 2006). **The New Middle East**". Available at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/62083/richard-n-haass/the-new-middle-east>

- Huma. Yusuf. (February 17, 2010). **Russia suspends Iranian missile following Israeli PM's visit to Moscow**. Available at:

- <http://www.csmonitor.com/World/terrorism-security/2010/0217/Russia-suspends-Iran-arms-sale-following-Israeli-PM-s-visit-to-Moscow>
- Karimi. Gholamreza. Hossein Alitooti. (2014), **assessment of cultural activities of Iran in Islamic world: suggestion of some suitable strategies**. the quarterly journal of political studies of Islamic world,
 - Murphy. Caryle. (November 29, 2010). **WikiLeaks reveals Saudi efforts to curb Iran**, Available at:
<http://www.globalpost.com/dispatch/saudi-arabia/101129/wikileaks-saudi-arabia-iran-king-abdullah>
 - Salavatian. Hossein. Abbas Salehi Najafabadi. Jahanbakhsh Moradi. (2015), **Iran and Saudi Arabia: the dilemma of security**, the balance of threat/ journal of scientific research and development
 - Shaded. w, p.s. Van. Koningsveld. (2002). **the negative image of islam and muslims in the west**,
 - Frederic Wehrey. Theodore W. Karasik. Alireza Nader. Jeremy Ghez. Lydia Hansell. Robert A. Guffey. (2009), **Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam, Rivalry, Cooperation and implications for U.S. Policy** NATIONAL SECURITY RESEARCH DIVISION (RAND). Available at: http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2009/RAND_MG840.pdf
 - Walt. Stephen. (25/10/2013). **playing hard to get in the Middle East**. Available at: http://walt.foreignpolicy.com/posts/2013/10/25/playing_hard_to_get_in_the_middle_east
 - Taheri. Ahmad Reza. (15 August 2015). **the rise and fall of ISIS: Repercussions on Shia Iran**. Available at: http://www.sspconline.org/opinion/west_isisrepercussionsonshiairan_15082014
 - pewforum.org (27/1/2011). **the Future of the Global Muslim Population**. Available at: <http://www.pewforum.org/category/publications/polling-and-analysis>